

برای یوز ایرانی و احتمال انقراضش

برنامه‌هایی که بتواند عوامل تهدید را از بین ببرد و سازمان متولی در تمام 40 سال گذشته برای خالی کردن زیستگاه یوزها از دام و ایمن‌سازی جاده‌ها عملاً هیچ کاری نکرده است و تنها در يك مورد در سال 96 با همکاری مشترك امیرحسین خالقی و هومن جوکار و هدیه تهرانی، کمپینی با عنوان کمپین یوز تا ابد شکل گرفت که حاصل آن جمع‌آوری چند صد میلیون کم‌های مردمی برای خرید چند آغل در منطقه امن توران بود که چندی بعد از این اقدام، کارشناسان یوز از جمله هومن جوکار و امیرحسین خالقی بازداشت شدند.

بازداشت گسترده کارشناسان یوز و ایجاد فضای امنیتی بر سر محیط زیست ایران که عملاً امکان همکاری مردم، متخصصان و گروه‌های تخصصی را در فعالیتهای حفاظتی یوز و دیگر گونه‌های جانوری کشور بسیار محدود کرده، در سال‌های اخیر نگرانی از شدت گرفتن اوضاع یوزهای ایران را دوچندان کرده است.

تنها به گواه آمارهای موجود در سه دهه اخیر بیش از 50 یوز ایرانی یا در جاده‌ها تلف شدند یا توسط چوپانان کشته شدند که اگر به این همه، آمار یوزهای جدا شده از طبیعت و قاچاق شده را هم اضافه کنیم به عدد بیش از 60 یوز حذف شده از طبیعت در مدت سه دهه اخیر می‌رسیم! در این میان «تکثیر در اسارت یوز» می‌تواند یک گزینه موثر برای حفظ ژن آخرین افراد باقی مانده یوز در کنار حفظ زیستگاه‌ها باشد اما در پنج سال گذشته، حفاظت از زیستگاه این گونه، عملاً از سوی سازمان محیط زیست به دست فراموشی سپرده شده و این سازمان بیشتر به گزینه تکثیر در اسارت تکیه کرده است. افتضاح تکثیر در اسارت یوز نیز عدم شفافیت و انحصارطلبی برخی افراد دخیل در این طرح، زمانی عیان‌تر شد که معلوم شد آنها که دم از مطالعات و تحقیقات و حفظ ژن و واژه‌های پرطمطراق می‌زنند برای زایمان «ایران» تنها ماده یوز باردار در اسارت هیچ برنامه و تدارکاتی نداشتند. اینقدر که در يك شرایط صحرائی بدون کمک از دامپزشکان متخصص و تنها با حضور يك دامپزشک، این حیوان سزارین شد و همین امر موجب شد تا ایران فرزندان‌ش را نپذیرد و تولدها محروم از شیر مادر شوند!

اما این کم‌دی زمانی مضحک‌تر شد و موفقیت بلندمدت تکثیر در اسارت را به زیر سوال برد که معلوم شد دست‌اندرکاران طرح در سمنان حتی جنسیت توله‌ها که در ابتدا ماده عنوان کرده بودند را هم اشتباه تشخیص دادند و هیچ پیش‌بینی و تدارکاتی برای تهیه شیرخشک مخصوص گربه‌سانان و دیگر نیازهای درمانی این توله‌ها نداشتند. اینقدر که یکی از توله‌ها در همان روزهای نخست جان باخت، توله دیگر در راه انتقال به تهران و دامپزشکی از بین رفت و نهایتاً توله سوم به نام پیروز به علیرضا شهرداری، تیمارگر حیات وحش در پارک پردیسان تهران سپرده شد که اگر تلاش‌های او نبود پیروز نیز همان روزهای نخست از دنیا رفته بود.

اگرچه مرگ قریب‌الوقوع پیروز برای متخصصان محیط‌زیست کاملاً قابل پیش‌بینی بود اما برای مردمی که از او يك نماد و سمبل امید ساخته بودند، حالا به واقعه‌ای دردناک تبدیل شده است. یوزپلنگ آسیایی سال‌هاست که به نماد محیط زیست ایران تبدیل شده اما پیروز در سخت‌ترین روزهای تاریخ چند ده ساله اخیر برای مردم ایران، امتداد نوری شد که بسیاری از مردم ایران برای امیدواری به آن تکیه زدند. قدرت این نماد جانوری و زیبایی خیره‌کننده چشمانش در بین مردم ایران به حدی بود که در مدتی کوتاه به شخصیتی شناخته شده و امیدبخش در بین مردم ایران تبدیل شد. اما این حیوان سرانجام صبح دیروز جان باخت. پیروز، اولین و آخرین یوزپلنگ ایرانی نبود که قربانی اشتباهات و بی‌برنامگی و سردرگمی‌های مدیریتی در سازمان محیط زیست شد. در همین مدت کوتاه که نگاه يك ملت دنبال پیروز بود يك یوز دیگر در توران در جاده کشته شد و دو توله دیگر به دلیل ضعف حفاظت و آموزش‌های موثر از طبیعت توران حذف شدند.

پیروز رفت تا بلکه مدیران ارشد این سازمان دریابند با انحصارطلبی و حذف دیگر مشاوران و متخصصان کاربلد نمی‌توان همیشه کار را جلو برد، بلکه این مرگ عبرتی شود برای این سازمان که دریابند دست‌کم برای زایمان بعدی ایران بیش از آنکه بر طبل توخالی و شعارگونه اقدامات‌شان بکوبند، باید برنامه‌ریزی کنند و از متخصصان کمک بگیرند و کاش که دریابند تکثیر در اسارت گزینه اصلی نجات یوز ایران نیست! زیستگاه‌های یوز ایران به قدری در پنج سال گذشته رها شدند که اگر برنامه‌ای برای حفاظت آنها در نظر گرفته نشود یوز ایران تا 5 - 4 سال دیگر به گونه‌ای منقرض شده در طبیعت تبدیل می‌شود و عملاً زیستگاه خود را از دست می‌دهد و شاید تنها چند فرد از آن در باغ وحش و پشت فنس باقی بماند، چرا که معدنکاوان مارا تن بزرگی را برای تخریب زیستگاه‌ها نه فقط در زیستگاه‌های یوز که برای زیر و رو کردن خاک کشور در بیش از 60 درصد اراضی سرزمین آغاز

کرده‌اند. حالا باید دید آیا مرگ این نماد بزرگ جانوری می‌تواند مردم ایران را به مطالبه‌گری درست از سازمان محیط زیست و دولت برای اقدام عاجل جهت حفظ زیستگاه‌های یوز سوق بدهد؟!

گفت‌وگویی «اعتماد» با کارشناسان محیط زیست و دامپزشکی درباره سرنوشت یوز

شکست پروژه «پیروز»

سومین فرزند «ایران» هم صبح دیروز در بیمارستان تلف شد

شکراً بی، دامپزشک: همکاران خیلی زحمت کشیدند ولی شاید اهمال‌کاری شده است

نیره خادمی

توله یوزی که به نماد ایران تبدیل شده بود در حالی که تنها دو روز با ده ماهگی فاصله داشت، از دست رفت و حالا مسوولان سازمان محیط زیست خبر بارداری تقریبی ایران را مطرح کرده‌اند تا شاید بارداری ماده یوز ایران روزنه نوری بر این روزهای تاریک باشد. خبر بارداری ایران و به دنیا آوردن سه قلوها در یکی، دو سال گذشته اتفاق مهمی برای محیط زیست ایران بود ولی ایران از همان ابتدا توله‌ها را نپذیرفت، بنابراین دو توله در همان روزهای نخست تلف شدند و پیروز هم که چند روز پیش با علایم گوارشی به بیمارستان رفته بود، دیروز از بین رفت و حالا بسیاری امیدوارند که چنین اتفاق ناگواری دست‌کم یک درس برای سازمان محیط زیست ایران داشته باشد و در بارداری بعدی ایران تمام جوانب از جمله مراقبت‌های دامپزشکی و تغذیه مناسب برای زایمان راحت ایران در نظر گرفته شود.

چرا توله‌ها تلف شدند؟

نخستین اشتباه درباره توله‌های ایران، نحوه زایمان آنها بود؛ سزارین باعث نپذیرفتن توله‌ها از سوی مادر شد، بنابراین از شیر

مادر تغذیه نکردند اگرچه همان ابتدا بهرنگ اکرامی، دامپزشک متخصص مامایی و بیماری‌های تولیدمثل یوزها گفته بود که به دلیل نجات جان مادر و توله‌ها مجبور به سزارین شده‌اند. محمد درویش به «اعتماد» می‌گوید که سزارین باعث شد مادر به توله‌ها شیر ندهد و آنها دچار نارسایی جدی کلیوی شوند: «پیروز در طول 10 ماه، سه بار دچار نارسایی کلیه شد، دو بار با موفقیت از آن عبور کرد ولی بار سوم نتوانست.» او معتقد است: «اگر چه روزهای نخست، تیم انتخاب شده برای توله یوزها کاربرد نبودند ولی بعدتر از کمک دامپزشکان مشهور و بین‌المللی آفریقایی جنوبی استفاده شد و او چند بار هم ایران آمد و دکتر باستانی هم که دامپزشک مخصوص پیروز بود با او در ارتباط بود و این چند روز هم به آفریقایی جنوبی رفته بود.» اولین بار بود که در ایران تجربه به دنیا آمدن یوز در اسارت را داشتیم و به گفته او تجربه جفت‌گیری موفقیت‌آمیز پس از حدود یک دهه اتفاق افتاد: «البته توله‌ها زنده نماندند ولی امیدوارم تجربیات تداوم داشته باشد و درک خوبی از آن به وجود آمده باشد تا در زایمان بعدی ایران و بقیه یوزهای ماده از این تجربه‌ها استفاده کنیم. شک ندارم که شرایط بهتر خواهد شد اگر چه معلوم است که باید امکانات نگهداری، فضای نگهداری یوز بهتر باشد، بودجه بیشتری اختصاص یابد و اطلاع‌رسانی دقیق‌تری باید انجام شود. مردم باید می‌دانستند پیروز دچار بیماری حاد کلیوی است و در این صورت دچار شوک نمی‌شدند و شایعات به وجود نمی‌آمد.» وقتی ده ماه پیش نخستین توله ایران بعد از تولد از بین رفت، مرتضی پورمیرزایی، مدیرعامل انجمن یوزپلنگ ایرانی با استناد به اطلاعات سازمان محیط زیست گفت که با کالبدشکافی مشخص شده دلیل مشکل مادرزاده بوده است. برای مرگ دومین توله یوز هم فرضیه شیر مصرفی عنوان شد و دلیل مرگ پیروز هم به‌طور شفاف هنوز مشخص نشده. ایمان معماریان، مشاور دامپزشکی سازمان جهانی نجات حیوانات هم دلیل مرگ یکی از توله یوزها را تغذیه اشتباه توله عنوان کرده بود و اینکه به دلیل انجام سزارین بدون دستکش توله‌ها بوی انسان را گرفته‌اند و مادر به همین دلیل فرزندان را نپذیرفته، ضمن اینکه نحوه ورود شیر به ریه‌ها، توله دوم را تلف کرده است.

دلارام شکرآبی، دامپزشک و متخصص کلینیکال پاتولوژی دامپزشکی به «اعتماد» می‌گوید: در زایمان‌های طبیعی حیوان بند ناف و جفت را جدا می‌کند و بعد که شروع به حرکت کرد سینه مادر را برای شیر پیدا می‌کند: «معمولا وقتی مادر احساس کند بچه ضعیف است و می‌میرد، او را پس می‌زند برای اینکه خود از بین برود. شاید ایران می‌دانسته، قرار است بچه‌ها از بین بروند که پس زده ولی در کل نحوه شیر دادن دستی

هم به آنها خیلی مهم است تا باعث از بین رفتن بچه‌ها نشود.» او معتقد است درباره پیروز مسائل بسیاری باید روشن شود: «حرف‌ها ضد و نقیض بود از مشکل حاد کلیه تا مشکل دفع و یبوست و مشکل کلیه‌ای که از ابتدا داشته است در صورتی که اگر مشکل کلیه به صورت ژنتیکی باشد باید توله‌های قبلی کالبدشکافی می‌شدند و مشخص می‌شد که احتمالاً برای پیروز هم اتفاق می‌افتد. دوشنبه گفتند که توله‌های قبلی کالبدشکافی شده بودند پس باید بر همان اساس تغذیه را رعایت می‌کردند. می‌توانستند با مشورت با دامپزشکان خارجی و تشکیل کمیسیون پزشکی به بهبود شرایط او بپردازند. اگر از ابتدا مشکل داشت باید مدام آزمایش می‌گرفتند و مدام اساتید برتر کلینیکال پاتولوژی، متخصص کلیه و مجاری اداری، پزشک داخلی دائم وضعیت را بررسی می‌کردند. هیچ موردی قبل از پایدار کردن شرایط و بالا بردن تحمل دیالیز یک دفعه برای این کار برده نمی‌شود قطعاً همکاران خیلی زحمت کشیدند ولی شاید اهمال کاری شده و زودتر می‌شد کاری کرد. متأسفانه هیچ وقت آزمایش‌ها اعلام نشد. در مورد مرگ ناگهانی حیوان اگر به خاطر کلیه باشد یک شبه اتفاق نمی‌افتد که یوزپلنگ با سیستم بدنی بسیار قوی را از بین ببرد.»

شهرداری در صف تیمارگری بهترین گزینه در ایران بود

انتشار خبر بیماری و رسیدن پای پیروز به بیمارستان تا لحظه‌ای که گفتند تلف شده، واکنش‌های زیادی را در پی داشت، بسیاری خط و نشان کشیدند و عصبانیت خود را این‌طور ابراز کردند برخی هم ترکش انتقاد را به سمت علیرضا شهرداری، تیمارگر پیروز گرفتند در حالی که محمد درویش از او دفاع می‌کند و در کانال خود هم در این باره نوشت که علیرضا ثابت کرد به دنبال یک زندگی راحت نیست ما به او و دگریاری‌های شگفت‌انگیزش نیاز داریم برای حفاظت از ایران بانو. او در گفت‌وگو با «اعتماد» هم از شهرداری و بقیه همکارانش قدردانی می‌کند. بر اساس اطلاعات نزدیکان و افرادی که با تیمارگر پیروز در ارتباط هستند، او شرایط روحی خوبی ندارد؛ کسی که حدود ده ماه پیش برای نگهداری از پیروز داوطلب شده بود و هر از چند گاهی هم از طریق صفحه اینستاگرام خود مردم را در جریان وضعیت و شرایط پیروز ایران می‌گذاشت. آخرین مطلبی که در استوری اینستاگرام منتشر کرده مربوط به روز دوشنبه و دیالیز پیروز است و آخرین پست او که در خرداد ماه منتشر شده بیش از 661 هزار بار دیده شده. عبدالله سالاری، مدیرعامل انجمن حامیان و پژوهشگران حیات وحش و کارشناس رسمی دادگستری در این حوزه به «اعتماد» می‌گوید که علیرضا شهرداری عاشق حیات وحش است و زندگی خود را در این راه گذاشته است: «در

سراسر دنیا دوره‌های مختلفی گذارنده و حیوانات زیادی را تیمار کرده است. برای نگهداری از پیروز بهتر از او نداشتیم که بخواهیم جایگزین کنیم و در صف تیمارگری بهترین گزینه بود، منتها باید شرایط و امکانات لازم هم مهیا می‌بود که بتواند یکسری کارها را انجام دهد. واقعا 10 ماه خواب و خوراک نداشت، چون تیمارگری حیوانات کار مشکلی است باید علاقه عجیبی داشته باشید که این کار را انجام دهید.» شهرداری البته حال روحی خوبی ندارد و تلفن‌ها را هم پاسخ نمی‌دهد ولی در صحبت‌هایی که دوشنبه در چهارمین روز بستری شدن پیروز در بیمارستان داشت، گفته بود: «پیروز با تمام تجربه‌هایی که در زندگی داشتم، متفاوت است، چون باهاش زندگی کردم. پیروز اولین تجربه یوز یک‌روزه سزارین شده، شیر مادر نخورده و شیر بد خورده و هزار بدبختی دیگر نه تنها در ایران که در جهان بود.»

ایران دوباره باردار است؟

بهمن ماه جفت‌گیری موفق ایران و فیروز همه را خوشحال کرد اگرچه مسوولان محیط زیست گفتند هنوز برای گفتن از بارداری موفق زود است ولی حالا امیر عبدوس، مدیرکل محیط زیست سمنان همزمان با مرگ پیروز از بارداری ایران خبر داده و گفته تقریبا قطعی است. دلارام شکرآبی، درباره بارداری دوباره ایران معتقد است که از همین الان باید تحت نظر باشد تا در نهایت بچه‌هایش کنارش باشند: «فرصت مناسبی است که جبران کنیم و تیم مجرب متشکل از تکنیسین دامپزشکی، دکتر دامپزشک، متخصص داخلی، جراحی، کلینیکال پاتولوژی حتی متخصص تغذیه کنار او باشد تا پس از بارداری مناسب طبیعی زایمان کند.» محمد درویش با اشاره به اینکه اگرچه بارداری هنوز صد درصد نشده، می‌گوید که با توجه به قرارداد سازمان محیط زیست با دامپزشکان بین‌المللی برای پروژه تکثیر در اسارات احتمالا در آینده شرایط بهتر باشد.

حساسیت خوب مردم به محیط زیست

مردم در این سال‌ها نسبت به محیط زیست، حیات وحش، آبگیری سدها یا خشک شدن تالاب‌ها حساسیت پیدا کرده‌اند در حالی که خود درگیر شرایط اقتصادی و اجتماعی و مسائل مرتبط با حقوق بشر هستند؛ موضوعی که درویش از آن به عنوان نکته امیدبخش ماجرا یاد می‌کند که از نگاه یک ناظر مستقل نکته‌ای قابل تحسین است. رجبعلی کارگر هم که تا پایان پروژه یوز آسیایی به عنوان معاون این پروژه بین‌المللی در سازمان محیط زیست بود در گفت‌وگو با «اعتماد»، بخشی از توجه و حساسیت مردم را نتیجه تلاش‌های این پروژه می‌داند که سال 99 به

پایان رسید: «نقش بستن یوز در پیراهن تیم ملی یا گفتن از آن در سریال‌های تلویزیون باعث شد مردم متوجه یوز شوند و در این باره مطالبه‌گر شوند.» از نظر عبدالله سالاری توجه و دغدغه مردم به موضوع یوز به عنوان نماد نکته مهمی است و باید به عنوان فرصت به آن نگاه کنیم: «شاید بتوانیم از این موج استفاده کنیم برای بازگشت به وظایف سازمان برای حفاظت از یوزپلنگ، بحث زیستگاه‌ها، حوادث جاده‌ای یوز، موضوع دام در زیستگاه‌های یوز، وضعیت گونه‌های دیگر در اسارت، وضعیت باغ وحش‌ها، کلینیک‌های حیات وحش استان‌دارد و برنامه‌هایشان برای تکثیر در اسارت و بپرسیم در این باره چه کرده؟ باید به جای انتقاد از سازمان محیط زیست مطالبه کنیم که وضعیت کنونی چیست؟ و بدون مخفی‌کاری اطلاعات را در اختیار مردم و کارشناسان قرار دهند.»

انقراض و آمار یوزها

آیا یوزپلنگ در حال انقراض است یا وارد مرحله قطعی انقراض شده است؟ برخی معتقدند که ایران به عنوان ماده یوز فعلاً تنها شانس تکثیر و جلوگیری از انقراض یوز است آن هم در شرایطی که بسیاری از کشورهای آسیایی از جمله هندوستان، افغانستان، عربستان، سوریه و کویت انقراض یوز را اعلام کرده‌اند. در ایران هم نابودی زیستگاه‌ها و شکار یوزپلنگ‌ها و شکار بیرویه گله‌های سمدار روند انقراض یوز را تندتر کرده است. براساس آخرین آمار مربوط به یوزهای بالغ و جدا از مادر که مرتضی پورمیرزایی، مدیرعامل انجمن یوزپلنگ ایرانی شهریور ماه آرایه کرد در سه سال اخیر تعداد این یوزها به 13 فرد رسیده و از میان تولدهای متولد شده، استقلال یا مرگ شش توله به اثبات نرسیده بنابراین همچنان ممکن است به آمار افزوده شود. براساس سرشماری سال ۱۴۰۰، جمعیت یوزها کمتر از ۳۰ فرد است و طبق آخرین مقاله علمی منتشر شده این عدد کمتر از ۴۰ فرد اعلام شده است. رجبعلی کارگر البته این موضوع را با توجه به وسعت 15 میلیون هکتاری زیستگاه‌های یوز و حدود 30 تا 40 دوربین در مناطق خاص مورد بررسی قرار می‌دهد: «تعداد اعلامی صرفاً بر اساس تعداد محدود دوربین‌های کاشته شده در توران است و ما در مناطق دیگر دوربین نداریم. پس تکلیف یک میلیون و 500 هزار هکتار دیگر چیست که مستلزم 10 سال دوربین‌گذاری است.» با وجود این حرف‌ها حسن اکبری، معاون محیط زیست طبیعی سازمان محیط زیست اسفند سال گذشته اعلام کرد: تنها دو سال برای نجات این‌گونه از انقراض فرصت باقی است؛ فرصتی که یکسال آن رفته و تنها یکسال دیگر آن باقی مانده است.

□□□□□□ 1401 □□□□□ 10 □□□□□□ □□□□□□ :□□□μ